ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•شنبه•۲۴ شهریور ۱۳۹۷•شماره ۱۱۳۸

حدیث روز

امام رضا(ع): مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از ما نیست آن که همسایه اش از شر او در امان نباشد.

عیون اخبار الرضا(ع)

ذکر روز شنبه

صد مرتبه «یا رب العالمین»

آیات نور

سوره الرحمن (۲۱)

میوه های بهشتی

«فیهما عینان تجریان» در این جمله کلمه «عینان» بدون الف و لام و بدون توضیح آمده تا دلالت کند بر عظمت امر آن دو چشمه که در آن دو بهشت است. «فیهما من کل فاکهة زوجان» یعنی در آن دو بهشت از هر میوه ای دو زوج هست، و منظور دو صنف است. بعضی از مفسران درباره این دو صنف میوه گفته اند یک صنف از آن میوه هایی است که آن را می شناسند چون آن ها را در دنیا دیده بودند، و صنف دیگری هست که آن را نمی شناسند، چون در دنیا نبوده و ندیده بودند.

تفسیر المیزان

حکایت

یادگاری شاهان

پادشاهی از صاحب دلی سوال کرد از پادشاهان چه ماند؟ گفت: «یک چیز ولیکن به دو صفت.» پرسید که آن کدام است؟ گفت: «نام، که چون عدل و احسان کنند، به نیکی و الا به زشتی.»

هزار سال که ضحاک پادشاهی کرد
از او نماند به جز نام زشت در عالم
اگر چه دولت کسری بسی نماند ولی
به عدل و داد شدش نام در زمانه علَم

برگرفته از کتاب «پریشان» اثر قاآنی

قرار مدار

اندکی صبر

حضور

اکبر نصرتی

بی حضور تو
اندوه از لحظه ها می چکد
و هزاران سخن در اعماق سینه می ماند
با آن که شیرین من نیستی
فرهاد تو شده ام
بیستون خیال را می تراشم
و با قامتی خمیده چون کمان ابرویت
به انزوا می نشینم

همشهری سلام!
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های یامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵
بیسیم: ۲۰۰۰۹۹۹

دنیا به روایت تصویر

ای پی ای| رانش زمین بر اثر زلزله، ژاپن

گاردین| بازگشت عقاب شکاری به سمت مربی اش

گتی ایمیج| برداشت میوه نارگیل در شب، مکزیک

پند نیکان

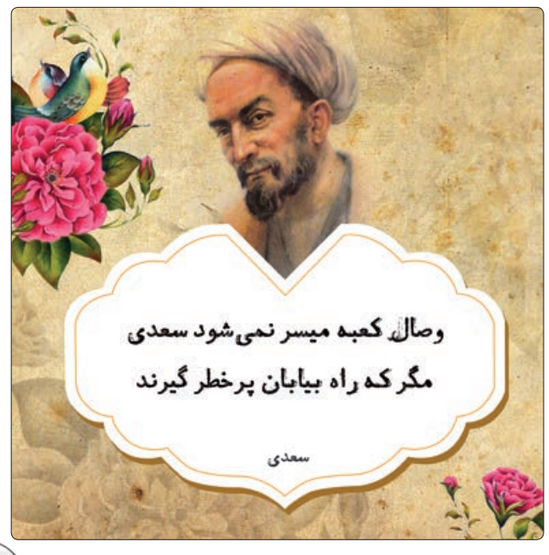

با کاروان کربلا

عبدا... بن عُمَیر کَلبی

شهید خانوادگی کربلا

همه ما از کودکی با شنیدن ماجرای کربلا بزرگ شده ایم. ذکر مصیبت های عاشورا در جان مان پیچیده و تک تک وقایع «روز واقعه» جلوی چشمان مان جان گرفته است. در این سلسله مطالب می خواهیم با کاروان کربلا همسفر شویم و با شخصیت های تاثیر گذار صحرای کربلا که کمتر می شناسیم شان یا حتی اصلا نام شان به گوش مان نخورده است بیشتر آشنا شویم.

عبدا... به همراه همسرش «ام وهب»، شبانه خود را از کوفه به سپاه امام حسین(ع) رساند. به گفته طبری، عبدا... بن عمیر دومین شهید کربلا در عاشورا بود. همسرش ام وهب نیز نخستین زنی بود که در واقعه کربلا به شهادت رسید (ماجرای شهادت ام وهب را در ستون فردا بخوانید).

عبدا... بن عمیر از قبیله بنی عُلَیم بود. برخی گزارش های تاریخی مربوط به وَهْب بن وهب یا همان وهب بن عبدا... کلبی مشابهت ها و مشترکاتی با متون مربوط به عبدا... بن عُمَیر دارند و همین باعث شده تا برخی محقّقان این دو را یک نفر بدانند، ولی دو نفر بودن آن ها بعید نیست، به ویژه مسیحی بودن وَهْب که در برخی منابع آمده، با عبدا... بن عُمَیر که اینجا منظور ماست، به هیچ وجه قابل جمع نیست.

هنگامی که سپاه کوفه در «نخیله» آماده جنگ با امام حسین(ع) می شد، عبدا... به آن ها برخورد و ماجرا را پرسید. آن ها گفتند: «به جنگ حسین بن علی می رویم.» او گفت: «به خدا سوگند من مشتاق جنگ با مشرکان بودم، و امیدوارم ثواب پیکار با اینان که قصد جنگ با پسر دختر پیامبرشان را دارند، از ثواب جنگ با مشرکان کمتر نباشد.» در روز عاشورا که عمر سعد با پرتاب تیری به سوی اردوگاه امام حسین(ع) جنگ را آغاز کرد، «یسار» و «سالم» دو غلام لشکر دشمن به میدان آمدند و هماورد طلبیدند. حبیب بن مظاهر و بریر بن خضیر از جا برخاستند اما امام حسین(ع) به آن دو اجازه میدان نداد. عبدا... بن عمیر با اجازه امام به میدان رفت، خود را معرفی کرد. گفتند ما تو را نمی شناسیم. زهیر یا حبیب یا بریر به مبارزه ما بیاید. عبدا... به «یسار» که جلوتر ایستاده بود گفت: «هیچ یک از اینان به جنگ تو نمی آید مگر این که از تو بهتر است.» سپس به او حمله کرد و او را از پا درآورد. در همین حال «سالم» به سوی او حمله کرد. یاران امام حسین(ع) فریاد زدند تا عبدا... از حمله او آگاه شود ولی متوجه نشد، سالم به او ضربه ای زد. عبدا... با دست چپ جلوی ضربه را گرفت و انگشتانش قطع شد. سپس عبدا... بر او حمله برد و با ضربه ای او را به قتل رساند.

پیش از ظهر عاشورا، شمر بن ذی الجوشن که فرمانده جناح چپ سپاه کوفه بود، با افراد تحت فرمان خود به سپاه امام هجوم برد. در این حمله عبدا... بن عمیر را به شهادت رساندند. رجز عبدا... در میدان چنین بود: «اگر مرا نمی شناسید، من پسر کلب و از دودمان علیم هستم و این افتخار مرا بس است. من دلیر مردی پرتوانم و هنگام مصیبت خوار و زبون نیستم. ای امّ وهب! من عهده دار می شوم که با نیزه و شمشیر با آنان بجنگم؛ ضربه زدن بنده ای که به پروردگار ایمان دارد.» عبدا... و همسرش یکی از سه خانواده ای بودند که خانوادگی در سپاه امام حسین(ع) حضور داشتند.

رمان «نامیرا» نوشته «صادق کرمیار» درباره حماسه عاشورا است که به داستان «عبدا... بن عمیر کلبی» که در میانه شک و تردید سرانجام به یقین می رسد، می پردازد.

منبع: ویکی شیعه، تبیان

دور دنیا

پرتره های سه بعدی واقعی

آدیتی سنترال- زن جوان هنرمند ژاپنی پرتره های بسیار واقعی از گربه های خانگی می سازد. پرتره های سه بعدی او به قدری واقعی است که با دیدن آن ها تعجب خواهید کرد که تنها با استفاده از سوزن و پشم ساخته شده و تاکسیدرمی نیست. او این پرتره ها را به قیمت بالایی می فروشد و حسابی هم مشتری دارد.

اولین هواپیما با برند لیموزین

تاکسل- اولین و تنها هواپیما با برند لیموزین در دنیا ساخته شد. این هواپیما در واقع یک جت شخصی است و قابلیت حمل ۱۶ تا ۱۸ نفر را دارد و بدنه آن دقیقا شبیه یک خودروی لیموزین و از همان جنس بدنه ساخته شده است. اما موتور آن موتور جت است. صاحب این هواپیمای شخصی، یکی از عاشقان سینه چاک خودروی لیموزین است.

بیشترین تعداد سوسیس تولید شده در یک دقیقه!

گینس ورلد رکورد- «بری جان کرو» مرد ایرلندی که ۴۳ سال است مثل پدرانش سوسیس تولید می کند، توانست یک رکورد استثنایی را به نام خودش ثبت کند. او که از ۱۳ سالگی در این شغل فعالیت می کند، توانست در مدت یک دقیقه ۷۸ عدد سوسیس تولید کند. رکورد او به قدری سخت است که احتمالا تا سال ها بی رقیب بماند!

کاریکلماتور

آزمون هوش

حدس زدن سن دیگران

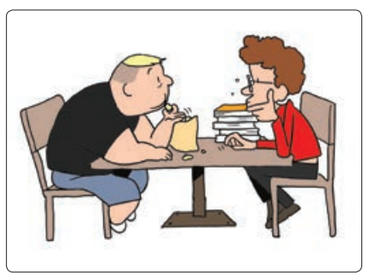

با این روش شما می توانید سن دیگران را حدس بزنید و شگفت زده شان کنید:

۱- از دوستتان بخواهید سنش را دو برابر کند ولی به شما نگوید.

۲- سپس آن را با عدد ۵ جمع و در عدد ۵۰ ضرب کند.

۳- در آخر یک عدد کمتر از ۱۰۰ را به دلخواه انتخاب و با عدد به دست آمده جمع کند.

۴- حال عدد نهایی به دست آمده را به شما بگوید.

کافی است مقدار ۲۵۰ را از عددی که دوستتان گفته کم کنید.

دو رقم سمت چپ عدد گفته شده، سن دوستتان و دو رقم سمت راست آن، عدد دلخواه اوست!

همین الان امتحان کنید!

تفأل

چو بر شکست صبا زلف عنبر افشانش
کجاست همنفسی تا به شرح عرضه دهم

به هر شکسته که پیوست تازه شد جانش
که دل چه می کشد از روزگار هجرانش

کآشوب

جلوی امام(ع) داد می زنی؟

میکروفون را داخل دهانش برده گمانم. چون صدایش نامفهوم است. مردم با فریادهای مقتل خوان ناله می زنند. در محراب مسجد نور سبزی روشن است. میان مسجد کسی پرچم سرخی را می چرخاند. باندهای صوتی چاق گوشه های مسجد هیچ خلوتی برایت باقی نمی گذارند. هر چه اما به گودی قتلگاه نزدیک می شود نعره ها و ناله های مقتل خوان بیشتر می شوند. انگاری می خواهد امام را از گودی دور کند یا شمر را بترساند یا شاید... استیصال، فریاد. سرم درد می گیرد. خودم را می کشانم کنج مسجد...

نور گوشی ام را کم می کنم تا توی تاریکی مجلس چشمی را نزند. می نویسم «مقتل آرام باید اوج بگیرد. فکر کن نشستی مقابل امام صادق(ع)، داد می زنی؟ اصلا شاید بهتر باشد روی صورتت یک تبسم باشد از غم. خودت گوله گوله اشک بریزی و با آستین های بلند قبایت آب بینی و چشمت را پاک کنی و همان طور مقتل بخوانی. تصویر کنی که آقا به زخم های شکم شان نگاه کردند. روی اسب شان خم شدند. در همان حال خمیده به خیمه ها نگاه کردند. چشم هاشان سیاهی رفت. دست شان ضعف کرد. شمشیرشان افتاد. اصلا شمشیر را تصویر کنی وقتی می افتد روی زمین. هلهله لشکر خصم را. شمشیر یک بنی هاشمی. بعد دست های آقا را تصویر کنی که از دو طرف زین آویزان شده. دیگر تا این جا اگر مجلس زنده است تو روضه خوانی نه مقتل خوان. این جاها شاید بهتر است با خودت حرف بزنی و بگویی آقا جانم دلم نمی آید بیشتر بخوانم. بعد خودت هق هق گریه کنی. بعد یکهو خیلی بی نظم مثل مصیبت زده ها شروع کنی یک بیت شعر را که مال بعد شهادت است این جا بخوانی. مجلس باید بفهمند مقتل خوان پریشان شده. حتی لازم شد به خودت نهیب بزنی بگویی چه می خوانی؟ نمی خواهی بس کنی؟ مجلس هم بشنود با خودت چه زمزمه می کنی. اصلا یک جاهایی سکوت کنی. بگذاری مردم صدای ناله های هم را بشنوند. بعد تازه سر و کله شمر پیدا شود. بعد اصلا مقتل خوان دست جمعیت را بگیرد ببرد توی گودی قتلگاه. با هم دست ببریم خاک از دهان و چشم آقا پاک کنیم. از توی چشم آقا خون جمع کنیم. روی زخم پیشانی آقا دست بگذاریم تا خون فواره نکند».

بریده ای از روایت «تا شام غریبان شیفت نمی آیم» به قلم سید حمیدرضا قادری، از کتاب کآشوب

قاب جهان

ونیز و قایق هایش

ونیز که زادگاه مارکوپولوست، با تمام شهرهای دنیا فرق دارد. ونیز از نظر کانال های آبش مثل آمستردام، در هنر مانند فلورانس، در سواحل مثل مارسی و در رنگارنگی شبیه کپنهاگ است؛ همه این ها هست اما هیچ کدام نیست. در ونیز تقریبا تمام کارکردهای معمول خودرو در شهرهای دیگر جهان را با قایق انجام می دهند؛ به جای تاکسی باید قایق کرایه کرد، به جای وانت میوه قایق میوه دارند و به جای خودروی جمع آوری زباله هم قایق بزرگ جرثقیل دار.

دکتر ناصر مکارم، استاد دانشگاه در اسکاتلند

ما و شما

راه های ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام

* قلعه جوق از فیض آباد است، برای چی تو صفحه زندگی سلام نوشتین از تربت حیدریه است؟ نکنه قلعه ما رو هم فروختن؟

ما و شما: متن زیر عکس رو مخاطبی که عکس رو فرستاده بودن نوشتن.

* فرزندان عزیزم شبنم خانم و اردل آقا، بیست و پنجم شهریور ماه زادروزتان خجسته.

پدرتان مهدی سلیمی، بردسکن

* زندگی سلام، چند وقته ندیدمت چقدر بزرگ شدی!

* تولد همسر عزیزم تاریخ ۱۳۴۴/۶/۲۳ گرامی.

همسرت خوش سیما

* چرا به خاطر محرم که هنوز چیزی نشده مسابقه این کیه را چاپ نمی کنی؟

* می خواستم از همین جا به دوست خوبم فائزه رنجبر بگم دلم برات خیلی تنگ شده.

غزاله لطفی، مشهد

* تشکر و قدردانی از زندگی سلام که پیام تولد فرزندم را چاپ کردید. در ضمن بابت فداکاری همسرم در طول ۸ سال دفاع مقدس که رنج زیادی کشید ممنون و سپاس گزارم.

ستوان یکم جانباز علی شهری، مشهد

* چرا صفحه زندگی سلام را به این بزرگی چاپ می کنید؟ واقعا از روزنامه دلزده شدیم. حرف جمعی از دوستان

* آقا رسول ۲۳ شهریور تولدت خجسته.

خاله

* آق کمال؛ جناب عالی در فضای مجازی سایت دارید؟ اگه دارید میشه معرفی کنید!

آق کمال: بله، یادداشت کنن: دبلیو دبلیو دبلیو، روزنامه خراسان دات کام! چیزایی که منویسم همی توبه.

* همسر کرمانشاهی من، از این که شش ساله داری دور از پدر و مادرت با من در مشهد زندگی می کنی ممنونم. تو عشق رو ثابت کردی. دوستت دارم.

شوهرت حسین

* همسر عزیزم عفت جان خیلی دوستت دارم.

دوستدارت محمد جواد

دیدنی ها

هنر ساخت مجسمه های حشرات از مواد طبیعی

گاردین- هنرمند مبتکر «راکواینو» با الهام از یک سبک سنتی از چیدمان گل های ژاپنی به نام «ایکبانا»، با استفاده از زباله های باغی مثل چوب، دانه ها و گلبرگ ها، مجسمه های زیبایی از حشرات را خلق می کند. او این مجسمه ها را با جزییات بی نظیری ساخته به گونه ای که حتی ترسناک ترین حشرات به یک اثر هنری زیبا و جذاب تبدیل شده است. او می گوید: «قبل از خلق هر اثر به شکل حشرات دقت و سعی می کنم مناسب با آن موادی را فراهم کنم، این هنر برای من مثل چیدمان یک پازل است و سال به سال، این آثار خلاقانه تر خواهد شد. مواد اولیه بر اساس تغییرات فصلی تغییر خواهد کرد.» خلق این آثار برای او هیچ وقت، فرایند پیچیده ای نبوده بلکه یک تمرین ذهنی صبحگاهی است. در ادامه چند نمونه از این آثار زیبا را می بینیم:

فراخوان مناقصه عمومی خرید لوله پلی اتیلن ۵ منطقه
استان سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی (نوبت دوم)

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی در نظر دارد مطابق جدول ذیل لوله پلی اتیلن (قطار ۹۰ تا ۲۵۰ میلیمتر و فشار ۶ اتمسفر و مواد PE۱۰۰) مورد نیاز پروژه های عمرانی خود را از طریق مناقصه عمومی از تولید کنندگان واجد شرایط که دارای مجوز از دفتر توسعه سامانه های نوین آبیاری معاونت آب خاک وزارت جهاد کشاورزی می باشند خریداری نماید.

شماره مناقصه	کد فراخوان	محل اجرا	برآورد اولیه (ریال)
۹۷/۱ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۳	منطقه یک شهرستانهای بردسکن، خلیل آباد، کاشمر، گناباد و بجستان	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۲ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۴	منطقه ۲ شهرستانهای تربت جام، تایباد، باخرز، سرخس، صالح آباد، فریمان	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۳ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۵	منطقه ۳ شهرستانهای نیشابور، فیروزه، مشهد، چناران، قوچان، طرقبه و شاندیز، درگز، کلات	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۴ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۶	منطقه ٤ شهرستانهای تربت حیدریه، مه ولات، زاوه، رشتخوار، خواف	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۵ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۷	منطقه ۵ شهرستانهای سبزوار، خوشاب، جوین، جغتای، داورزن	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

لذا از کلیه شرکت های تولید کننده دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۷/۰۶/۲۰ لغایت ۹۷/۰۶/۲۶ به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://setadiran.ir مراجعه نمایند. شماره تلفن ۳۷۰۱۶۶۰۵ در ساعات اداری جهت پاسخگویی به سوالات مناقصه ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برندگان مناقصه می باشد.

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی

۵/۹۷۰۹۷۳۸۲